

اشتهای

مذا



عکاس: مرتضی سلطانی

محمد علی قائم‌پور دارای مدرک کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای و پژوهش‌های اجتماعی و دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی، یادگاری از هشت سال دفاع مقدس است که از چهارده سالگی به جبهه‌های جنگ تحمیلی رفت. او به صورت متناوب ۱۱ ماه در جبهه حضور داشت و در نهایت در ۱۶ سالگی و در عملیات خیبر اسیر شد؛ اسارتی که هفت سال، یعنی تا شهریور سال ۱۳۶۹ به طول انجامید. اکنون قائم‌پور معلم است. او می‌گوید، با انگیزه قوی وارد شغل معلمی شده است. او به عنوان دبیر علوم اجتماعی، ۳۰ سال سابقه کار در آموزش و پرورش دارد. در دانشگاه‌ها به عنوان استاد مدعو تدریس می‌کند و کارهای ستادی را نیز به عنوان کارشناس بر عهده داشته است. در رابطه با ارزش‌های دفاع مقدس و میزان فهم و درک آموزش و پرورش از این ارزش‌ها با او گفت‌وگو کرده‌ایم.

گفت و گو با دکتر محمد علی قائم پور معلم آزاده در خصوص ارزش های دفاع مقدس در آموزش و پرورش

تنظیم کننده گفت و گو: ائلدار محمدزاده صدیق

تقل نکنیم!

به نظر شما، چقدر ارزش های دفاع مقدس هنوز در آموزش و پرورش و مدرسه های ما ارزش است؟ بچه ها چه سؤال هایی درباره جنگ و دفاع مقدس از شما می پرسند و چه ابهام هایی در ذهنشان است؟

ما دو بحث را باید در آموزش و پرورش و ارزش ها جدا و تفکیک کنیم. اول اینکه چه مواردی ارزش هستند و دوم اینکه برنامه های آموزش و پرورش برای ارزش ها چگونه است؟ اگر به بخش اول سؤال نگاه عمیق کنیم، باطن بچه ها با بحث ارزش ها زاویه جدی ندارد. دانش آموزان بارز ماندگان دفاع مقدس و شهدا زاویه ندارند، بلکه علاقه مندند بیشتر بدانند. برای مثال، من در دوره ای عنوان مربی پرورشی را داشتم. وقتی به یک اردو رفتیم و بچه ها فهمیدند من جبهه ای هستم، رفتارشان با من فرق کرد. یعنی قبلاً به عنوان مربی پرورشی شاید خیلی مرانمی پذیرفتند، ولی وقتی فهمیدند من به جبهه های جنگ تحمیلی رفته ام، اصلاً نگاهشان به من خیلی بهتر شد. در واقع بچه ها وقتی با واقعیت روبرو می شوند، همراهی می کنند. هر چند که در برنامه های صوری، حالت دفاعی می گیرند. این نشان می دهد دانش آموزان ما پیوندی جدی با ارزش های اصیل و خالص دارند. اما از آنجا که انسان ها به دنبال اصالت هستند، ممکن است وقتی برنامه ها جنبه شکلی و صوری پیدا می کنند، شاید نمایندگانی که به دنبال انتقال ارزش ها هستند، خیلی خوب نتوانند این کار را انجام دهند. من خیلی جاها این صحبت را می کنم. برنامه های ما به شدت صوری و شکلی شده اند. ما فقط دنبال گزارش هستیم. دنبال عمق دادن به مطالب نیستیم. ضمن اینکه توان این عمق و هنر این عمق دادن را هم نداریم! ولی برمی گردم به خود آموزش و پرورش، یعنی یک کار صوری صورت می گیرد. چیزها و کارهای ارزشی که نمی تواند جنبه صوری داشته باشد! چیزهایی که ارزش است، باید واقعی باشد و اصالت داشته باشد و هنر مندانه منتقل شود! وقتی کارشناسی خبره نیست، خوب برنامه ریزی نمی کند و فقط به دنبال کار گزارش محوری و اجرای بخش نامه و دستورالعمل است، به ضد خودش تبدیل می شود.

کمی در رابطه با سال های جنگ تحمیلی و حضور خودتان در جبهه صحبت کنید؟

محصل بودم که به جبهه رفتم. در عملیات مقدماتی بیت المقدس حضور داشتم و در عملیات خیبر اسیر شدم. حدود ۱۶ سال داشتم. بعد از اسارت، جمعیتی ۴۵۰ نفری را از بقیه هم زمان جدا کردند که به طور عمده از لحاظ سنی دانش آموز بودند. از موصل به اردوگاه بین القفسین منتقل شدیم. بعد از آن دوباره ما را به تکریت، اردوگاه صلاح الدین، انتقال دادند. یکی از دلایلی که افراد را جابه جایی کردند، فعالیت هایی بود که افراد انجام می دادند. کسانی که سخنرانی می کردند، تدریس می کردند یا کلاس درس برگزار می کردند، شناسایی و از سایرین جدا می شدند.

آموزش و معلمی در دوران اسارت چگونه بود؟

در اسارت از سن ها و قشر های گوناگون اجتماعی بودند. اتفاق مهمی که در آن دوران افتاد، شکل گیری آموزش در اسارت بود؛ آموزشی که به لحاظ کیفیت شاید بهتر از آموزش رسمی باشد! شاید علت آن، اشتیاق فراوان اسیران به آموزش بود. البته امکان آموزش در زندان در ابتدا متفاوت بود. مثلاً داشتن خودکار یا کاغذ ممنوع بود. اگر کسی خودکار یا کاغذ داشت و چیزی را می خواست آموزش دهد، شکنجه می شد. با این توصیف، هر کسی چیزی می دانست، سعی می کرد انتقال دهد. این انتقال همراه با شکنجه، اضطراب، فشار روانی و بدون قدردانی بود. اما چه اتفاقی آنجا می افتاد که یک معلم با تمام سختی ها و نبود امکانات، بهترین آموزش ها را می داد و موقعی که اسیران برمی گشتند، همه باسواد بودند! دانش آموز ما چند زبان بلد بود. حوزوی های ما به خوبی عربی یاد گرفته بودند. حال این سؤال مطرح است که چرا ما با وجود امکانات و نظام آموزشی نمی توانیم مفاهیم و ارزش ها را به دانش آموزان انتقال دهیم؟



فکر می کنید چرا آموزش و پرورش به صورت جدی به این قضیه نمی پردازد. مسئولان آموزش و پرورش بارها گفته اند که انتقال ارزش های دفاع مقدس جزو رسالت های آموزش و پرورش است. ولی هیچ کار جدی در این زمینه صورت نگرفته است. فقط در حد بخش نامه مانده است. با توجه به اینکه شما در حوزه ستادی بوده اید، ضعف کار را کجا می بینید؟

یکی از علت ها نبودن نیروهای توانمند و متخصص است که ارزش های دفاع مقدس را به صورت واقعی درک کنند. وقتی بدنه آموزش و پرورش توانمند و تخصصی نباشند، درک درستی هم از مسائل نخواهند داشت. اگر درک درستی هم نداشته باشند، توان و تخصصی ندارند که آن را سرازیر و به بدنه آموزش و پرورش تزریق کنند که عنصر اصلی آن دانش آموز است. به نظر من، در این رابطه عزم جدی وجود ندارد. عزمش که باشد، آدم توجه می کند، از فناوری و از افراد متخصص و توانمند در این راستا کمک می گیرد. البته گاهی اوقات شاهد عزمش هستیم. برخی ها دوست دارند در واحدهایی که به ایثارگری مربوط است، کار کنند. دوست دارند این اتفاق بیفتد؛ اما واقعیت این است که بلد نیستند. علم و تخصصش را ندارند. شما وقتی ضعیف عمل کنید، چرخه ادامه پیدا می کند و به ضد خودش تبدیل می شود و در انتقال خیلی از مفاهیم و ارزش ها به اشتباه برخورد می کند. دانش آموزان دوست دارند مفاهیم از زبان کسی که خودش درگیر بوده است، منتقل شود. در شرایطی که اصل جنس هست، چرا از آن استفاده نمی شود؟

نسل ها عوض می شود. بالاخره همیشه که نمی توان از خود رزمنده ها بهره برد؟

اشکال ندارد. اما این انتقال از نسلی به نسل دیگر که باید اتفاق بیفتد. اولاً هنوز بخش زیادی از ایثارگران هستند که تحصیلات عالیه و تخصصی دارند و صاحب اندیشه هستند. اما می گویند که اندیشه شما با اندیشه نسل سومی جور در می آید یا نه؟ در واقع، میزان را تشخیص نسل جدید قرار می دهند. حالا به جای اینکه اصلی ها در این مسیر مفاهیم را انتقال دهند، جدیدها می آیند و میزان ارزیابی را مشخص می کنند. نداشتن رسانه جدید، به روز نکردن زبان، نداشتن تخصص و پس زدن اصالت ها از جمله عواملی هستند که سبب شده اند ما نتوانیم ارزش ها را منتقل کنیم. به هر حال، عده ای انتفاع طلب که به دنبال



شما وقتی ضعیف عمل کنید، چرخه ادامه پیدا می کند و به ضد خودش تبدیل می شود و در انتقال خیلی از مفاهیم و ارزش ها به اشتباه برخورد می کند

بهره مندی از اسم شهدا هستند و نه انتقال ارزش ها، ارزش های صوری در زمینه مواردی نظیر صداقت، اخلاص و شجاعت را منتقل می کنند. ما چیزهای شکلی را منتقل می کنیم. ممکن است بعضی از شعارهایی را که نمود داشتند منتقل کنیم. شاید پشت سؤال ها، اصالت و اخلاق مهمی نهفته بود. مثل گذشت و ایثار، اما ما مفهوم ایثار را تزریق نمی کنیم، بلکه شعارش را می دهیم.

معلم ها و مدیر مدرسه چقدر می توانند در انتقال ارزش های دفاع مقدس به دانش آموزان مؤثر باشند؟ در شرایطی که در مدرسه های ما، به ویژه متوسطه دوم، تنها چیزی که برای دانش آموزان مهم است، آزمون سراسری است؟

قاعدتاً مدیر، معلم یا سایر عوامل اجرایی می توانند این کار را انجام دهند، اما متغیرهای زیادی وجود دارند که این اتفاق نمی افتد. دقیقاً بر می گردد به همان علت ها که من گفتم. مثلاً زمان جنگ، مدیران و معاونان به گونه ای رفتار و عمل می کردند که انگیزه داشتند و علاقه مند بودند. بچه ها هم از ارزش ها استقبال می کردند و به جبهه می رفتند. این یک تجربه عینی است. مدیران، معاونان و معلم های ما هر کدام در این مسئله نقشی داشتند و خودشان هم اعزام می شدند و می رفتند. اما الان نمی توانیم یک روایت را به دانش آموز منتقل کنیم، چه برسد که به جبهه برود. حالا اینکه آزمون سراسری ارزش و هدف دانش آموز است، درست، اما قبل از دوره متوسطه دوم، خیلی وقت داریم که ارزش های دفاع مقدس را به دانش آموزان منتقل کنیم. حداقل اگر ارزش ها منتقل نمی شوند، لااقل ضد ارزش ها هم منتقل نشوند. در مدرسه، با وجود نبود انگیزه درس خواندن در دانش آموزان، ضد ارزش منتقل می شود. الان دانش آموزان دیگر به درس خواندن و دادن آزمون سراسری هم علاقه ندارند و می گویند به زور پدر و مادر به مدرسه می آیند.

در سنین نوجوانی معمولاً بچه ها به دنبال قهرمان می گردند. قهرمان هایی که الان در عموم جامعه می بینیم، شخصیت های مجازی و غیرواقعی هستند. چرا ما نتوانسته ایم قهرمان های واقعی را به جامعه دانش آموزی بقبولانیم؟

نبودن نامه ریزی، نبود نیروی متخصص، استفاده هنری نکردن، به روز نکردن زبان ارتباطی ما و استفاده نکردن از رسانه، از جمله دلایل هستند. شاید اگر اصلاً به موضوع نمی پرداختیم، خود دانش آموز بر اساس واقعیت ها به دنبال موضوع و ارزش های دفاع مقدس می رفت و قهرمان خود را پیدا می کرد. اما از آنجایی که می خواهیم ارزش های دفاع مقدس را به بدنه دانش آموزی تزریق کنیم و تزریق بلد نیستیم، موفق نمی شویم و اثر منفی می گذاریم. ای کاش خیلی از شعارها را نمی دادیم. بلکه با آموزش خوب، قدرت خلاقیت دانش آموز را بالا می بردیم، تا خودش ارزش ها را پیدا کند. اما وقتی با بخش نامه و به صورت



نداشتن تخصص و پس زدن اصالت ها از جمله عواملی هستند که سبب شده اند ما نتوانیم ارزش ها را منتقل کنیم



ندارم، چون خیلی از رز منده‌های دفاع مقدس هم ممکن است دفعه اول که رفتند با همین نگاه رفته باشند. ولی بعد که رفتند و مشاهده کردند، تا آخر ماندند.

■ به نظر شما چه ارزش‌هایی از دفاع مقدس را می‌توان به نسل امروز انتقال داد؟

یک مجموعه از ارزش‌ها را وقتی می‌گوییم ایثار، جان‌فدا کردن به ذهن می‌آید. اما ایثار که فقط شهادت نیست. مفاهیم نباید به اشتباه منتقل شوند. مادر عملیات سعی می‌کردیم زنده بمانیم. شهادت طلبی به مفهوم رفتن به سمت مرگ نیست، بلکه رفتن در مسیری است که می‌تواند به شهادت بینجامد و اگر شهید شد باید راهش را ادامه دهیم، نه اینکه سینه سپر کنیم در مقابل گلوله. بنابراین، در مفهوم ایثار باید واکاوی کنیم و آن را فقط تحت عنوان جان‌فدایی تعریف نکنیم. ایثار در اسارت، از خودگذشتگی‌های ساده بود. مثلاً وقتی غذا کم بود، با هم تقسیم کنیم. اخلاق ناب و اینکه ریاکاری نباشد. مهم‌ترین ویژگی اینکه از ریا دوری کنند. مثلاً نماز را برای انتفاع نخوانیم. این خلاف ارزش‌هاست و سبب می‌شود دانش آموز دور و بزرگ شود. چیزی که در تمام ادیان و مذاهب است، صداقت، راستی، اخلاص، تکلیف و مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌شناسی است. این‌ها را تزیین می‌کنیم تا دانش آموز سالم تحویل جامعه سالم بدهیم. ✨

صوری عکس نصب می‌کنیم و مراسم ظاهری می‌گیریم، این کار اثر منفی و معکوس دارد. توصیه من در این مورد خنثا عمل کردن است تا خود دانش آموز با مطالعه، قهرمان واقعی خود را پیدا کند. در واقع اگر نمی‌توانیم درست کار کنیم، اصلاً کاری انجام ندهیم. ما گاهی اوقات آنچه به عنوان استقبال در گزارش‌های صوری می‌آوریم، در واقع کیاست بیجه‌هاست که ما از آن به عنوان آمار واقعی استفاده می‌کنیم.

■ مهم‌ترین کاری که آموزش و پرورش برای ارزش‌های دفاع مقدس انجام می‌دهد، اردوهای راهیان نور است. به نظر شما این حرکت چقدر مفید و موفق بوده است؟

نیازمند مطالعه جدی است و نمی‌توانم به جنبه شاهد یا شواهد خودم بسنده کنم. اما شواهد نشان می‌دهد، آن‌هایی که به راهیان نور می‌روند، دو گروه هستند. کسانی که دنبال ارزش‌ها هستند، اما تعدادشان از نظر فراوانی کم است و تحت تأثیر فضای غالب عقب‌نشینی می‌کنند، یا اجازه بروز نمی‌دهند و شاید هم منصرف می‌شوند. گروهی هم از باب اعتقاد نمی‌روند، از باب فرصت یا از روی کنج‌کاوی می‌روند. همین که برویم! ضمن اینکه من با این قسمت هم مخالفتی

یک مجموعه از ارزش‌ها را وقتی می‌گوییم ایثار، جان‌فدا کردن به ذهن می‌آید. اما ایثار که فقط شهادت و مرگ نیست. مفاهیم نباید به اشتباه منتقل شوند